آرمان ملی
armanmeli.ir
سال چهارم
شماره ۹۸۲
شنبه
۱۴۰۰•۰۱•۲۱
۲۷ شعبان ۱۴۴۲/ ۱۰ آوریل ۲۰۲۱

روبه‌رو

رضا کمالی:

«حورا» اولین کارگردانی سریالی‌ام بود

رضا کمالی کارگردان «حورا» درباره این سریال ۱۰ قسمتی که اولین تجربه‌اش در ساخت سریال بوده است توضیح داد. رضا کمالی کارگردان بیان کرد: من در این سال‌ها چند تله‌فیلم ساخته‌ام و این اولین سریال من است. از آنجایی‌که خودم آدم سخت‌گیری هستم طرح‌های سینمایی و سریال‌هایی را که به‌دستم می‌رسید دوست نداشتم و یا کاری را که می‌خواستم در نهایت به تصویب نمی‌رسید و حالا خوشحالم که با «حورا» اولین سریالم را به تولید رسانده‌ام. وی درباره موقعیت سریال «حورا» که در آن فرزندی نزد پدر و مادر دیگری بزرگ می‌شود و بعد مادرواقعی خود را پیدا می‌کند، بیان کرد: هسته اصلی این قصه ممکن است تکراری باشد اما پرداخت آن جدید است و از این حیث امتیاز دارد. کمالی که در هفته اخیر ساخت این سریال را به پایان رسانده است درباره فشار کاری در تولید این مجموعه بیان کرد: مهمترین سختی این کار این بود که به ما تاریخ پخش دادند و سریالی که باید در ۲ ماه و نیم به تولید می‌رسید در یکماه‌ونیم ساخته شد و ما حتی در ایام نوروز هم در حال کار بودیم و هیچ شرایطی برای استراحت نداشتیم. وی اضافه کرد: ما پیش‌تولید و حتی تولید فشرده‌ای داشتیم و هفته‌ای که گذشت کار فیلمبرداری به پایان رسید.

فیلمسازی همیشه ریسک دارد

کارگردان «حورا» درباره اینکه چرا پذیرفته است که با این فشردگی کاری سریال را به تولید برساند، عنوان کرد: این یک فرصت است و یا باید قبول کنید یا اینکه دیگر مشخص نیست چه زمانی به سراغ شما می‌آید چون قبل از آن پروسه‌ای طولانی برای تصویب طرح داشتیم اما بعداز آن فیلمنامه آماده نبود و با دو قسمت شروع کردیم. مهشید ابراهیمیان نویسنده این سریال است که گاهی روزبه‌روز سکانس و فیلمنامه را می‌رساند و کار را تولید می‌کردیم. وی درباره ریسک شروع کار با فیلمنامه‌های غیرآماده عنوان کرد: کار فیلمسازی همیشه ریسک دارد فیلم‌ها و سریال‌های زیادی ساخته شده‌اند که حتی در بهترین شرایط با فیلمنامه‌های آماده و بهترین عوامل بوده‌اند اما کارهای بدی هم شده است و من اتفاقا از خروجی این کار برای اولین سریالم راضی هستم. کارگردان «حورا» درباره حضور چهره‌های جدید و ناشناخته در این سریال گفت: من خواستگاهم تئاتر است و همیشه می‌گویم وقتی فرصتی هست همه باید کار کنند. در این سال‌ها هم معتقدم بیشتر بازیگران سینما، از هنرمندان تئاتر یا دانش‌آموخته تئاتر بوده‌اند و به همین دلیل اصرار داشتم در این سریال هم بازیگران تئاتر حضور پیدا کنند. اکنون یکی از دستاوردهای «حورا» این است که نود درصد بچه‌های تئاتر یا هنرجویانی که جلوی دوربین نرفته‌اند و دانش‌آموخته تئاتر بوده‌اند در این سریال به ایفای نقش پرداخته‌اند و به‌نظرم با این سریال حداقل چند بازیگر خوب معرفی شدند. وی درباره فضای ملودرام این سریال و پخش آن در زمان بعد از عید افزود: این سریال ملودرام است نوروز همین امسال سریال «گاندو» از شبکه سه پخش شد که فضایی امنیتی و جاسوسی داشت و بازخورد هم گرفت و فکر می‌کنم بعداز آن برای حفظ مخاطب شبکه تا ماه رمضان این بهترین زمان بود تا مخاطب شبکه ریزش نکند. از طرفی اگر این سریال در خود نوروز هم پخش می‌شد مشکلی نبود چون ملودرام همیشه جواب داده است. کمالی در پایان درباره کارهای بعدی خود گفت: دنبال طرح و فیلمنامه هستم البته همین الان هم چند طرح دارم اما دنبال کارهای بهتر هستم به‌نظرم «حورا» برای شروع موفق بود ولی برای کارهای بعدی می‌خواهم یک پله بالاتر باشد.

کوتاه

آخرین وضعیت «غلامرضا موسوی»

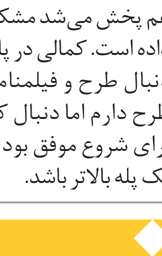

غلامرضا موسوی همچنان به‌دلیل ابتلا به کرونا در بیمارستان بستری است. این تهیه‌کننده سینما در حالی‌که صدایی گرفته داشت، درباره وضعیت خود گفت: نسبت به روزهای گذشته کمی بهترم ولی مشخص نیست چه زمانی مرخص می‌شوم. فعلا باید بیشتر استراحت کنم. موسوی چندروز قبل به‌دلیل درگیری بخشی از ریه‌اش با کووید ۱۹، راهی بیمارستان شد تا مراحل درمان خود را طی کند.

گفت‌وگو با عبدالعلی دستغیب

رویایی که محقق نشد

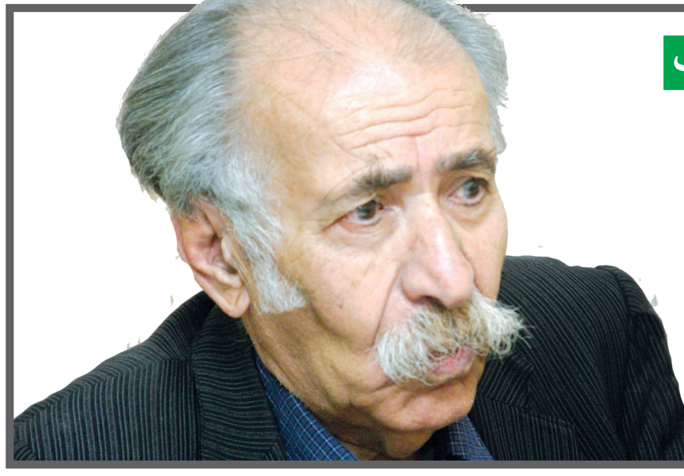

با خواندن رمان «باباگوریو» در دوره دانشجویی، رویایش این بوده که رمان‌نویسی مانند بالزاک شود و بگوید «تهران اینک من و تو»! عبدالعلی دستغیب متولد سال ۱۳۱۰ در شیراز، نویسنده، مترجم و منتقد ادبی درباره کتاب‌هایی که می‌خواند، کتاب‌هایی که دوست داشته و کتابی به قول خودش با سختی خوانده، می‌گوید. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

آخرین کتابی که مطالعه کرده‌اید، کدام کتاب بوده است؟

من چند کتاب را با هم می‌خوانم، از یک کتاب ۱۰ صفحه می‌خوانم و ۱۰ صفحه هم از کتاب دیگری. یکی از کتاب‌هایی که اخیرا خواندم «زیرنگاه پدر» نوشته مهرماه فرمانفرمائیان بود؛ او دختر شاهزاده فرمانفرما یکی از بزرگان قاجار بوده و تا دوره رضاشاه صاحب‌نفوذ بوده است. خانم مهرماه در این کتاب شرح‌حالی از پدرش و خودش می‌نویسد. چند نکته در کتاب «زیرنگاه پدر» جالب است؛ یکی اینکه شاهزاده فرمانفرما ۳۲ فرزند داشته و به تربیت آنها رسیدگی می‌کرده است. یکی از فرزندانش که خیلی معروف است، فیروز میرزا نصرت‌الدوله است که وزیر کشور زمان رضاشاه بوده و بعدهم به دستور رضاشاه در سال ۱۳۱۶ به قتل می‌رسد. دختر بزرگ شاهزاده فرمانفرما هم مریم فیروز است که بعدا زن مهندس کیانوری، از سران حزب توده می‌شود. خود مهرماه هم با سفیر ایران در آلمان ازدواج می‌کند و تا مدت‌ها خارج بوده است. موضوع دیگر، چگونگی مسائل اندرونی اعیان ایران در صد سال گذشته است، اینکه چطور ازدواج می‌کردند، بچه‌ها معلم سرخانه داشتند، زن‌های متعدد شاهزاده فرمانفرما چه سلوکی داشتند، اینکه فرمانفرما تاکید داشته فرزندانش در خارج تحصیل کنند و اکثرا هم تحصیلات عالی داشتند، عده‌ای در دوره پهلوی به وزارت رسیدند و برخی هم ادیب از آب درآمدند.

کتابی هست که از خواندنش پشیمان شده باشید یا نصفه رها کرده باشید؟

من کتاب‌های زیادی خوانده‌ام و یادم نمی‌آید از کتابی به این صورت بدم آمده باشد. اما دو کتاب بود که به دشواری خواندم و علت اینکه ادامه دادم این بود که می‌خواستم درباره‌اش نقد بنویسم و اگر تمام نمی‌کردم نقد ناقص می‌ماند. یکی از این کتاب‌ها که برای ۴۰ سال پیش است رمان «شادکامان دره قره‌سو» نوشته علی‌محمد افغانی بود. موضوع این رمان این است که پسر معماری که می‌خواهد روی رودخانه قره‌سوی کرمانشاه پل ببندد، عاشق دختر خان کرمانشاه می‌شود و بدون رضایت خانواده‌ها ازدواج می‌کنند. چون کتاب «شوهر آهوخانم» افغانی گل کرده بود، پرویز شهریاری برای نشریه «راهنمای کتاب» از من خواست نقدی روی رمان «شادکامان دره قره‌سو» بنویسم. این رمان برخلاف «شوهر آهو خانم» که صحنه‌های جالبی دارد و تازگی داشت، داستانی زراعی با عبارت‌های انشایی و قدیمی و نخ‌نما بود و خواندنش برایم به منزله صعود به هیمالیا بود و از طرف دیگر ناچار بودم تمامش کنم. خیلی با سختی آن کتاب را خواندم. می‌گویند بدیع‌الزمان فروزانفر در مجلسی بوده، او مولوی‌شناس بود و کاری هم به شعر و داستان نو نداشت. خبرنگاری به خیال این‌که او از رمان اطلاع دارد، به فرزانفر می‌گوید نظر خودتان را درباره «شوهر آهوخانم» بفرمایید. فروزانفر هم می‌گوید بروید از آهوخانم بپرسید چرا از من می‌پرسید؟!

چه کتابی را دوست داشتید که شما آن را می‌نوشتید و نام شما پای آن کتاب بود؟

من دوست داشتم کتاب‌هایی بنویسم که تازگی داشته باشد. اما کتابی که در من تاثیر داشت «باباگوریو» نوشته بالزاک بود. زمانی‌که این کتاب را خواندم، شاید خوشایند هم نبود، با شخصیت اصلی این کتاب احساس نزدیکی کردم؛ شخصیت اصلی دانشجویی است که به پاریس می‌آید و وارد محافل اشرافی می‌شود و از طبقه پایین خود را بالا می‌کشد که به نوعی داستان بالزاک است، او در تپه مشرف پاریس ایستاده و این شهر را تماشا می‌کند و می‌گوید «ای پاریس اینک من و تو». من در یکی از عمارت‌های تهران بودم در سال ۱۳۳۸-۱۳۴۰، رمان هم می‌نوشتم، فکر کردم همین را می‌توانم به تهران بگویم، «تهران، اینک من و تو». و فکر می‌کردم اگر ادامه دهم بشوم بالزاک. این آرزوی دوره جوانی بود.

همه ما گاه کتاب‌هایی داریم که در کتابخانه‌های‌مان در نوبت خوانده‌شدن هستند، کدام کتاب‌ها در کتابخانه شما چنین وضعیتی دارند؟

کتاب‌های من به آن‌صورت نظم ندارد؛ یک مرتبه کتاب‌هایم را هدیه کردم، حدود شش‌هزار جلد کتاب بود، آنها هم کتابخانه‌ای تشکیل دادند. نفهمیدم چه شد آنجایی که کتابخانه من بود، کافه تریا شد و کتاب‌ها پخش و پلا شدند، دو مرتبه ۱۰ سال طول کشید تا کتاب‌ها را به دست آوردم و به اندازه‌ای کتاب حمل کردم و با این سن هم به کتابخانه می‌روم و کتاب می‌آورم که تاندون هر دو دستم از کار افتاده است. اما کتابی که الان در نظر دارم بخوانم کتاب‌های فلسفی و دوره آقای ژیژک است. دو تا از کتاب‌ها را برگ زدم اما گذاشتم ببینم آیا فرصت می‌کنم بخوانم یا نه.

دوست دارید کتاب‌هایی را بخوانید که شما را به لحاظ احساسی درگیر کند یا به لحاظ فکری؟

من کتاب‌های زیادی خوانده‌ام، شاید چندهزار رمان خوانده باشم. در بین کتاب‌هایی که می‌خوانم همه چیز هست. با توجه به اینکه اقتضای سن من کتاب خواندن نیست، الان در اطراف من کتابی از ایرج پزشکزاد است که در پاریس چاپ شده با عنوان «حافظ ناشنیده پند»، خاطرات مهرماه فرمانفرمائیان هم هست، در عین حال کتابی از هایدگر را می‌خوانم که درباره بنیادبودن صحبت می‌کند و مشغله بعدی من نوشتن کتابی درباره سعدی است که با همکاری یکی از دوستان تهیه می‌کنیم و برای این کار کتاب‌هایی از دکتر یوسفی و فروغی و دیگران را می‌خوانم، چهار تا غزل می‌خوانم و مقداری از بوستان و مقداری از گلستان. ببینید اینها چقدر از هم فاصله دارند. البته «کار نیکوکردن از پرکردن است»، همین که کتاب را دستم بگیرم می‌فهمم به درد من می‌خورد یا نه. همین اواخر کتاب‌های باستانی پاریزی را می‌خواندم؛ در تهران که بودیم و در مجله «راهنمای کتاب»، ایشان را هر هفته می‌دیدم، همان موقع چون شخصیت جالبی داشت، طنزگو و خندان بود، از او خوشم می‌آمد، مقالاتش را خوانده بودم اما کتاب‌هایش را نه، تا این‌که یکی از دوستان «از صفر تا پیاز» او را داد، دو سه روزه هم خواندم و بعد رفتم دنبال کتاب‌های دیگرش. آن‌چه او نوشته تاریخ نیست؛ به او می‌گفتند شاعر تاریخ، او مبدع علم رفتار و آداب‌شناسی در ایران است. ۵۰ جلد از کتاب‌های او را تهیه کرده و خواندم. اما مشغله عمده من رمان و کتاب‌های فلسفی است. البته در دهه ۴۰ بیشتر به شعر علاقه‌مند بودم. الان دیگر شعر برایم جاذبه ندارد. رمان و کتاب‌های فلسفی برایم جذاب‌تر است. این را هم بگویم از دهه ۸۰ تا الان یعنی در ۲۰ سال اخیر، تعداد کتاب‌های فلسفی که توسط مترجمان جوان تهیه شده، درباره هایدگر و دلوز و دیگر فیلسوفان پست‌مدرن فوق‌العاده است و من تعجب می‌کنم. چون با اینها آشنا نبودم و در هشت سال اخیر آشنا شده‌ام. فوق‌العاده است و احساس می‌کنم یک نهضت بزرگ فلسفی در ایران در حال شکل گرفتن است و اینها طلیعه ما هستند. «سیر حکمت در اروپا» و ترجمه‌های نجف دریابندری و عزت‌ا... فولادوند کهنه و خسته‌کننده شده است. «تاریخ فلسفه غرب» با وجود اینکه کتاب خواندنی و جالبی است، دیگر قدیمی شده و کتاب‌هایی که درباره فلاسفه جدید چاپ می‌شود، فوق‌العاده و متنوع است.

کتابی که احساسات شما را بیشتر از بقیه برانگیخته، کدام کتاب بوده است؟

خیلی زیاد احساساتم را بروز نمی‌دهم و سعی می‌کنم چه در مواجهه با اشخاص و چه خواندن کتاب چندان ابراز احساسات نکنم اما چند مورد بود که متاثر شدم. یکی زمانی است در بینوایان که ژان والژان تحت تعقیب است و با خانواده تناردیه آشنا می‌شود و زمانی که کوزت به دستور خانم تناردیه می‌رود که آب بیاورد، ترسیدم. همچنین زمانی که فانتین موهای طلایی خودش را می‌برد و می‌فروشد واقعا گریه‌ام گرفت. مورد دیگر هم درباره «سفرنامه گالیور» است، آن‌جایی که گذار گالیور به جزیره‌ای می‌افتد که ساکنانش همه اسب هستند، وقتی خواندم این برداشت را داشتم که این‌طوری اسب‌ها جامعه را اداره می‌کنند و من از انسانیت خود شرمسار شدم و تا چند روز درگیر بودم. به مطایبه هم علاقه دارم و فکر می‌کنم خودم اهل مطایبه باشم، کتابی که من را به خنده می‌اندازد کتاب «سرباز پاکدل» است که ایرج پزشکزاد ترجمه کرده و صفحه‌ای نیست که شما بخوانید و خنده‌تان نگیرد. ترجمه‌اش هم خوب است. مطایبات مولوی و سعدی هم خنده‌آور است که نمونه‌ای را خدمت شما می‌گویم. شغالی وارد خم رنگرزی می‌شود و یک شبانه‌روز هم در خم رنگرزی می‌ماند و رنگ‌های متفاوت به خود می‌گیرد. زمانی که پیش شغال‌های دیگر می‌رود، آنها او را نمی‌شناسند. می‌گوید من دوست شما هستم و به خود می‌گوید «من طاووس علیین شدم» یعنی طاووس بهشتی. مولانا متوجه شده خودنمایی در همه بشر هست اما به شغالی تشبیه کرده که وارد خم رنگرزی شده است.

بهترین کتابی که هدیه گرفتید یا دادید کدام بوده است؟

یک روز استاد محمود هومن، استاد فلسفه ما دو کتابی را که نوشته و کمیاب بود با عنوان‌های «از زندگی چه می‌دانیم» و «زیست یا زندگی» به من هدیه کرد و هر وقت امضایش را می‌بینم خوشحال می‌شوم. من «زیست و زندگی» را از کتابخانه دانشسرای عالی گرفته و آن را با خط خوش پاکنویس کرده بودم، حدود ۲۰۰ صفحه بود. به او نشان دادم، از کتابخانه خود دو نسخه آورد و گفت دو نسخه بیشتر ندارم که یکی برای تو. همچنین کتاب‌هایی را که زنده‌یاد ابراهیم یونسی به من می‌داد، نگه داشته‌ام. یکی «خیاط جادوشده» شالوم علیخم است که او نثر انگلیسی قرن ۱۷ را به زبان فارسی درآورده که شاهکار ترجمه است و روزی که کتاب درآمده بود هدیه داد و من ۱۰ مرتبه آن را خواندم. از نظر ترجمه فارسی فوق‌العاده است و صفحه‌ای نیست که شما بخوانید و حالت احساسی به شما دست ندهد. می‌خواهم در پایان بگویم در حال حاضر در جایگاهی نیستیم که کسانی مانند مولوی و فردوسی را به جهان بدهیم؛ ما از نظر صنعتی و آثار فکری چاره‌ای نداریم جز اینکه با تمدن مدرنیته همراه شویم. اما احساس می‌کنم در حال حاضر که با تمدن مدرنیته آشنا شده‌ایم اشتباهاتی صورت گرفته و آن این است که ما با زمینه‌های سنتی و زراعی مدرنیته را می‌فهمیم اعم از رمان و شعر و فلسفه و علم. برای مثال دموکراسی که تعریف روشنی از آن در ذهن نداریم.

اقتصاد بد و کرونا همچنان ادامه دارد

مسعود دلخواه معتقد است برای تئاتر و مردم ایران هنوز سال ۱۴۰۰ آغاز نشده زیرا همچنان وضعیت بد اقتصادی و کرونا در سال ۹۹ ادامه دارد و تغییری که احساس جدیدشدن سال را بدهد، ایجاد نشده است. مسعود دلخواه مدرس، کارگردان و بازیگر باسابقه تئاتر در کارنامه کاری خود اجرای آثار قابل‌توجهی از جمله «بیگانه»، «مفیستو» و «شاه‌لیر» را به ثبت رسانده است، حدود یکسال است به‌رغم پروژه‌هایی که برای اجرا روی صحنه تئاتر مدنظر دارد، به‌دلیل شرایط کرونایی آنها را به تعویق می‌اندازد. دلخواه یکسال گذشته را با پژوهش، مطالعه و تالیف سپری کرده است. این مدرس تئاتر که طی سال‌های گذشته در عرصه تدریس بازیگری نیز فعالیت مستمر داشته اما طی یکسال اخیر حضور در این عرصه را هم به تعویق انداخته زیرا موافق برگزاری کلاس‌های بازیگری به‌صورت آنلاین نیست و معتقد است که تدریس و آموزش بازیگری امری حضوری است. وی درباره اینکه آیا چشم‌اندازی برای اجرای یک اثر نمایشی در سالجاری مدنظر دارد یا نه، گفت: از سال گذشته تاکنون چند پروژه از بزرگ تا کوچک را برای تولید و اجرا مدنظر دارم ولی همه‌چیز بستگی به شرایط دارد. در حال حاضر به‌خاطر ریسکی که در تجمعات وجود دارد، در فاز صبر و انتظار به‌سر می‌برم و اینکه بخواهم یک گروه تئاتری را در شرایط کرونایی موجود گردهم جمع کنم ریسک بالایی دارد. دلخواه ادامه داد: منتظرم تا تابستان فرا برسد و ببینیم شرایط به لحاظ وضعیت شیوع کرونا پایین‌تر می‌آید یا نه. این کارگردان تئاتر اظهار کرد: فکر نمی‌کنم با توجه به ریسکی که وجود دارد در ۶ ماهه اول سالجاری کاری را تولید و اجرا کنم زیرا هنوز واکسیناسیون برای مردم شروع نشده و باید تا اواخر تابستان صبر کرد. بازیگر نمایش «روال عادی» در بخش پایانی سخنان خود تصریح کرد: فکر می‌کنم هنوز وارد سال ۱۴۰۰ نشده‌ایم زیرا سال ۹۹ چه به‌لحاظ شرایط بداقتصادی و کرونا همچنان ادامه دارد. اگر ذهن‌مان را از کلیشه‌های تقویمی جدا کنیم گویی وارد ۶ ماهه سوم سال ۹۹ شده‌ایم. امیدوارم این شرایط هرچه زودتر به پایان برسد تا تغییر سال و سال جدید را حس کنیم.

موسیقی

حسن ریاحی:

موسیقی کلاسیک مهجور است

سیدمجتبی حسینی معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس هیات امنای موسسه هنرمندان پیشکسوت به‌همراه نیکنام حسینی‌پور مدیرعامل موسسه به خانه استاد حسن ریاحی خالق سرود ملی کشورمان رفتند. سیدمجتبی حسینی، با اشاره به فضای هنری و آثار هنری قشقایی در خانه استاد ریاحی با بیان خاطره‌ای از تحسین گردشگران آلمانی از فرش قشقایی گفت: اکنون در حال بازگشت و توجه به هنر اصیلی مانند فرش هستیم که در آن تذهیب را هم می‌بینیم. هنر تذهیب ایرانی همچون بافته‌های ایرانی برآمده از بداهه‌پردازی است. حال هر گوشه از ایران که در بداهه‌پردازی و سلطه هنری مهارت بیشتری داشتند؛ راحت‌تر در این زمینه کار می‌کردند. در بخشی از این دیدار حسن ریاحی به فراموشی مقام‌ها در کشور اشاره کرد و گفت: در عصر فناوری قرار داریم و بیشتر فعالیت‌ها از طریق سیستم‌ها انجام می‌شود. هر سازی را می‌توان زد و ضبط کرد. پس شاهد کاهش نوازندگی هستیم. همانطور که مشاهده می‌کنیم ارکسترها در دنیا نیز کم شده است. اما این ماشینی‌شدن جذابیت را کم می‌کند. امروز هر نوع موسیقی با بهترین کیفیت در دسترس جوانان قرار دارد. در دوران جوانی ما، تنها نیم‌ساعت موسیقی کلاسیک از رادیو پخش می‌شد. در حالی که این روزها شاهد کم‌رنگ‌شدن موسیقی کلاسیک و حتی موسیقی سنتی کشورمان هستیم. ریاحی همچنین بیان کرد: موسیقی کلاسیک مهجور و آموزش در دانشگاه‌ها مشکل دارد. این مراکز اندیشیدن را یاد نمی‌دهند و تنها تئوری و قوانین آموزش داده می‌شود. برای تربیت آهنگسازان توانمند نیاز به راه‌اندازی کانون داریم تا جوانان خلاق را دور هم جمع کند. البته باید بودجه‌ای به این کار اختصاص داد تا الگوهای موفق دنیا و موسیقی محلی خودمان را بررسی کنند. حسن ریاحی آهنگساز و سازنده سرود ملی ایران در سال ۱۳۲۳ در خانواده‌ای اهل هنر متولد شد. او از کودکی نزد پدر فراگیری پیانو را آغاز کرد و در سن ۱۲ سالگی وارد هنرستان موسیقی شد. او در سال ۱۳۵۹ موفق به اخذ درجه دکترا از دانشگاه تمپل و کمبز آمریکا شد. ریاحی در دوران کاری خود آهنگسازی برخی از ماندنی‌ترین تصانیف و سرودها را انجام داد. او در سوابق شغلی خود مدیریت مرکز تحقیقات گروه موسیقی صداوسیما، مدیریت گروه موسیقی دانشکده صداوسیما و آزاد، مدیرکلی موسیقی صداوسیما (سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۱) و مدیر گروه موسیقی شبکه یک سیما و مدیر گروه موسیقی اداره فرهنگ و هنر شیراز در سال‌های دهه شصت را در کارنامه کاری خود دارد. ریاحی همچنین عضویت شورای‌عالی موسیقی صداوسیما، شورای‌عالی موسیقی ارشاد در دوره‌های مختلف و هیات‌مدیره خانه موسیقی و نیز دبیری سه دوره جشنواره موسیقی فجر (۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵) را هم در زمره تجارب کاری‌اش ثبت کرده است. چهره ماندگار موسیقی در سال ۱۳۸۵ و استاد نمونه دانشگاه آزاد در سال ۸۷ هنرمند نمونه صداوسیما در سال ۸۵، دریافت جایزه از رهبر معظم انقلاب به‌خاطر آهنگسازی سرود ملی در سال ۱۳۷۷ و دریافت جوایز و نشان‌های مختلف از جمله افتخارات وی در دوره کاری‌اش به‌شمار می‌رود.

نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

دانشگاه علوم پزشکی قم

دانشگاه علوم پزشکی قم در نظر دارد ارائه خدمات عمومی در گروه‌های زیر را از طریق مناقصه عمومی به اشخاص حقوقی واجد شرایط واگذار کند:
گروه ۱ : خدمات مجتمع آموزشی درمانی شهید بهشتی– امیرالمومنین(ع) شامل نظافت ساختمان‌ها، خدمات، لنژری و فضای سبز؛
گروه ۲ : خدمات پردیس دانشگاه شامل نظافت ساختمان اداری، خوابگاه، محوطه، فضای سبز؛
گروه ۳ : خدمات مراکز بهداشت شهری و روستایی؛
مهلت خرید اسناد: از تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم به مدت ۱۰ روز
قیمت اسناد و نحوه واریز وجه: واریز مبلغ : ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال (برای هر گروه) قابل واریز به حساب همراه بانک رفاه به شماره ۲۱۳۷۷۵۳۵۱۰۰۰۳ (قابل واریز در کلیه شعب).
مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد: اصل فیش واریزی به همراه معرفی نامه کتبی.
مهلت دریافت پیشنهاد: حداکثر ۱۰ روز پس از پایان مهلت خرید اسناد.
میزان سپرده شرکت در مناقصه: فقط به صورت واریز نقدی به حساب شماره ۱۱۱۰۰۰۰۷۲ نزد بانک رفاه کارگران و یا ضمانتنامه معتبر بانکی با مدت اعتبار سه ماهه با مبالغ اعلامی برای هر گروه با مبالغ زیر:
گروه ۱ : سپرده شرکت در مناقصه به مبلغ ۱۸/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال؛
گروه ۲ : سپرده شرکت در مناقصه به مبلغ ۱/۲۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال؛
گروه ۳ : سپرده شرکت در مناقصه به مبلغ ۱/۶۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال؛
محل خرید اسناد و تحویل پیشنهادات : به صورت الکترونیک در سامانه تدارکات الکترونیک دولت به نشانی setadiran.ir
زمان گشایش پیشنهادها : رأس ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۱۸
هزینه آگهی مناقصه: هزینه آگهی فراخوان برعهده برنده مناقصه است.

شناسه آگهی: ۱۱۲۰۳۶۶ دانشگاه علوم پزشکی قم

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای رضا لسان فرزند باقر بشماره ملی ۰۰۷۳۹۷۷۳۸۱ بموجب وکالتنامه شماره ۱۳۵۳۵۶ – ۱۳۹۹/۵/۲۱ دفترخانه ۳۴۲ تهران بوکالت از آقای مصطفی رضائی ساروی با تسلیم گواهی پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ بشماره ۹۷۰۸۲۲ – ۱۳۹۹/۱۰/۰۷ و استشهادیه مصدق ذیل شماره ش/۷۷۹۶۸۳ مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۱۷ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲۴۲ تهران با اعلام این که: سند مالکیت ششدانگ عرصه و اعیان یکدستگاه آپارتمان اداری به شماره ۹۷۵۰۵ فرعی از ۶۹۳۳ اصلی مفروز و مجزا شده از ۹۶۸۹۹ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۲ واقع در بخش ۰۲ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک نارمک تهران استان تهران به مساحت ۱۲۴/۹۳ مترمربع انباری به مساحت ۲۸/۱ مترمربع و پارکینگ به مساحت ۱۰/۸ مترمربع بنام آقای مصطفی/ رضائی ساروی فرزند مهدی شماره شناسنامه ۵۹۹ تاریخ تولد ۱۳۴۱/۰۶/۰۸ صادره از ساری دارای شماره ملی ۲۰۹۱۸۵۸۰۹۹ باجز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک ششدانگ عرصه و اعیان عرصه و اعیان، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۶۸۳۸۹۶ سری ب سال ۹۶ با شماره دفتر الکترونیکی الکترونیک ۱۳۹۶۲۰۳۰۱۰۲۵۰۰۵۹۸۱۵ ثبت گردیده است. که اصل سند مالکیت به علت سرقت مفقود گردیده است طی درخواست وارده فوق تقاضای صدور المثنی سند مالکیت پلاک مذکور را نموده است و در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت (مصوب ۸۰/۱۱/۸) مراتب در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه شخص یا اشخاص مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود می باشد ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سندمعامله به این منطقه واقع در خیابان سید جمال الدین اسدآبادی (یوسف آباد) نبش خیابان هفتاد پلاک ۴۷۶ تسلیم و رسید اخذ نمایند بدیهی است در صورت انقضا مهلت مقرر وعدم وصول اعتراض یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود طبق مقررات المثنی سند مالکیت صادر و تسلیم خواهد شد. (شناسه آگهی ۱۱۱۹۷۰۰)
۱۰۰۶۵/م الف — رئیس ثبت اسناد و املاک نارمک تهران– اردشیر شهمیرزادی

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای رضا لسان به عنوان وکیل با وکالتنامه شماره ۱۳۵۳۵۴ مورخ ۱۳۹۹/۵/۲۱ دفترخانه ۲۴۲ تهران به عنوان وکیل مصطفی رضائی ساروی با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق که تحت شماره ۱۲۰۸۲ مورخ ۹۹/۱۱/۱۶ دفتر اسناد رسمی ۸۶۴ تهران و برگ تقاضای وارده ۵۶۳۵۴ مورخ ۹۹/۰۸/۱۷ مدعی فقدان سند مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان به مساحت ۸۷/۲۶ مترمربع به شماره ۸۴۶۳۰ فرعی از ۶۹۳۳ اصلی واقع در بخش ۲ تهران که ذیل چاپی ۶۵۵۶۳۳ و ثبت ۴۰۸۷۰۲ و صفحه ۳۳۲ و دفتر ۲۶۹۲ بنام مصطفی رضائی ساروی ثبت و سند صادر و تسلیم گردیده است. سپس وی به علت جابجائی سند مالکیت خود را گم و درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده است. لذا مراتب باستناد ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسناد فوق و یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نمائید تا مورد رسیدگی قرار گیرد به اعتراض بدون ارایه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نخواهد شد پس از انقضای مهلت مزبور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد. (شناسه آگهی ۱۱۱۹۷۰۵)
۱۰۰۶۶/م الف — رئیس ثبت اسناد و املاک نارمک – شهمیرزادی

نوبت دوم

فراخوان مناقصه عمومی

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب

توجه: اعلام آمادگی جهت شرکت در این مناقصه صرفاً بصورت الکترونیکی(توکن) و از طریق سامانه ستاد به نشانی www.setadIran.ir می باشد.
مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره م م/۹۹/۰۲۴۲ مربوط به مرمت و بهسازی جاده و محوطه چاه ۶ قلعه نار

الف- شرح مختصر خدمات: انجام عملیات تخریب ،عملیات خاکی ،عملیات بنایی با سنگ،اندود و بندکشی،قالب بندی وچوب بست ،کارهای فولادی ، بتن ریزی ، زیر اساس، اساس و بالاست،نصب علائم و تجهیزات ایمنی ،مرمت محوطه چاه ، مرمت سلر ، مرمت گودال آبگل ، مرمت گودال سوخت ،احداث آبرو و پل بتنی در طول مسیر و جاده دسترسی مد نظر می باشد.
ب- محل اجرای خدمات و مدت انجام کار: محل اجرای خدمات در منطقه قلعه نار در ۴۰ کیومتری اندیمشکو مدت انجام آن ۳ماه می باشد.
ج- برآورد کارفرما: برآورد کارفرما جهت انجام خدمات ۲۳،۵۳۴،۹۰۴،۷۴۵/- ریال وتعدیل پذیر می باشد
د-شرایط مناقصه‌گران متقاضی
– داشتن ظرفیت آزاد(تعدادی و ریالی) در رشته مربوطه
– مناقصه گران دارای حداقل پایه ۵ گرایش راه و ترابری
– در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابر،الویت با شرکت های بومی استانی می باشد.
–داشتن گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی
– توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۱،۱۷۶،۷۴۵،۲۳۸/- ریال که بایستی به یکی از دو صورت زیر ارائه گردد :همچنین بدینوسیله تاکید می گردد که قید شماره و عنوان مناقصه روی رسید وجه نقد و ضمانتنامه بانکی ضروری و الزامی استمناقصه گر جهت تحویل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار علاوه بر بارگذاری تصویر تضمین از طریق سامانه لازم است بصورت حضوری به دفتر کمیسیون مناقصات در اهواز، کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان طرحهای راه و ساختمان در مهلت مقرر مراجعه و تضمین را تسلیم نمایند.
هـ-محل و مهلت دریافت اسناد: از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت بعمل می‌آید ظرف مهلت مقرر در این فراخوان جهت دریافت اسناد و اعلام آمادگی از طریق سامانه ستاد و به نشانی www.setadIran.ir مراجعه نمایند تا ارزیابی‌های لازم وفق آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات(ارزیابی ساده)بر روی مدارک ارسالی مناقصه گران بعمل آید.
۱ – مهلت دریافت اسناد: بصورت الکترونیکی (غیر حضوری و) از ساعت ۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۳ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ تاریخ ۱۴۰۰/۰۲/۰۱
۲ – مبلغ خرید اسناد و شماره حساب: واریز مبلغ ۴،۰۴۶،۰۰۰ ریال به حسابریال از طریق درگاه موجود در سامانه به نشانی www.setadIran.ir
محل، زمان تحویل و گشایش پیشنهادها : متقاضیان مکلفند پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۳:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۱۲ به صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ستاد تسلیم نمایند. ضمناً پیشنهادات در ساعت ۰۸:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۱۳ گشایش و قرائت خواهد شد و حضور نماینده مناقصه گران با معرفی نامه و کارت شناسایی معتبر بلامانع است.
ضمناً مهلت و محل تحویل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار تا ساعت ۱۳:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۱۲ در محل کمیسیون مناقصات شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در آدرس فوق الذکر می باشد.
همزمان ارائه معرفی نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکتها در همه مراحل لازم و ضروری می باشد.
تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه اصلی از اساسنامه شرکتها، آگهی تاسیس، آخرین تغییرات ثبتی و هرگونه گواهی مبنی بر واجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می باشد.

شناسه آگهی: ۱۱۱۶۲۴۱ امور حقوقی و قراردادها – شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب http://iets.mporg.ir WWW.NISOC.IR